

## صلح عادلانه در سوریه؛ رویکردی مبتنی بر حقوق پس از جنگ و نقش شورای امنیت

غلامعلی قاسمی

دانشیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

[g.ghasemi43@gmail.com](mailto:g.ghasemi43@gmail.com)

حسن شیروانی فیل آبادی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق بین الملل، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

[shirvani.hasan@gmail.com](mailto:shirvani.hasan@gmail.com)

### قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۶ (تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

#### چکیده

وضعیت سوریه پس از پایان جنگ پیچیده و چند وجهی است. درگیری در سوریه چندین سال به طول انجامیده است و منجر به ویرانی‌های عظیم و تلفات جانی شده است. پایان جنگ به معنای پایان دادن به چالش‌های پیش‌روی مردم سوریه نیست. عدالت پس از جنگ به نگرانی فزاینده‌ای تبدیل شده است و موارد افغانستان و عراق نشان دهنده اهمیت و همچنین مشکلات موجود در تلاش برای مدیریت نتیجه درگیری‌های مسلحانه به شیوه‌ای سازنده است. حقوق پس از جنگ، مفهومی است که اصول حاکم بر پیامدهای درگیری و تلاش برای تثبیت این پیامدها را در بر می‌گیرد. این مفهوم، حمایت از حقوق بشر و حاکمیت قانون را تضمین می‌کند و زمینه ایجاد صلح عادلانه و پایدار را فراهم می‌آورد. شورای امنیت مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و نقش کلیدی در حل و فصل مناقشات و جلوگیری از بروز مناقشات جدید دارد. پژوهش حاضر در پی بررسی نقش شورای امنیت در قانون‌گذاری حقوق پس از جنگ می‌باشد. نتایج پژوهش مبین این قضیه است که قطعاً یکی از کارکردهای کلیدی شورای امنیت، تسهیل گذار از درگیری به صلح است اما شورا باید تعهدات حقوق پس از جنگ را در تصمیمات خود به طور آگاهانه‌تر و گسترده‌تر بگنجانند و به کار در جهت پاسخگویی، شفافیت و اثربخشی بیشتر در اقدامات خود برای حمایت از اصول حقوق پس از جنگ ادامه دهد.

#### کلمات کلیدی

حقوق پس از جنگ، جنگ عادلانه، صلح عادلانه، شورای امنیت، مخاصمه سوریه

## مقدمه

تضاد، اختلاف، ناسازگاری، منازعه و جنگ میان انسان‌ها از ابتدای خلقت انسان و در طول اعصار مختلف تاریخی، مرسوم و متداول بوده است. گستره این اختلافات به شکل‌های گوناگون از سطوح خرد میان افراد و گروه‌های اجتماعی تا سطح کلان میان ملت‌ها، حکومت‌ها و کشورها بوده است.<sup>۱</sup> ردپای تمایز تاریخی بین جنگ و صلح هنوز نیز در برخی حوزه‌های متمایز حقوق وجود دارد. با این حال، جنگ و صلح دیگر به عنوان چارچوب سازماندهی سختگیرانه برای طبقه‌بندی قواعد حقوق بین‌الملل تلقی نمی‌شوند. منشور ملل متحد زمینه‌های محدود شده‌ای را پیش‌بینی نموده است که مشمولان حقوق بین‌الملل می‌توانند به طور مشروع به خشونت مسلحانه متوسل شوند. موقعیت‌های متعددی وجود دارد که در آن، حقوق جنگ و حقوق صلح به طور همزمان اعمال می‌شود.<sup>۲</sup> مسئله چگونگی برقراری صلح در دوره گذار پس از جنگ، از سال ۱۹۴۵ به یکی از دغدغه‌های اصلی حقوق و رویه بین‌المللی تبدیل شده است.<sup>۳</sup> این تحولات تردیدهایی را ایجاد می‌کند که آیا برخی از برداشتهای سنتی حقوق بین‌الملل هنوز برای توضیح پیچیدگی‌های معاصر کافی است یا خیر.<sup>۴</sup> در پی درگیری‌های طولانی، ضرورت پرداختن به «حقوق پس از جنگ»<sup>۵</sup> برای ایجاد یک صلح پایدار و جلوگیری از خصومت‌های آینده بسیار مهم است. این مفهوم حقوقی و اخلاقی، اگرچه اغلب تحت الشعاع همتایان خود یعنی «حقوق بر جنگ»<sup>۶</sup> و «حقوق در جنگ»<sup>۷</sup> قرار می‌گیرد، اما در هدایت جوامع جنگ‌زده به سوی ثبات، حیاتی به نظر می‌رسد.<sup>۸</sup>

چند دهه گذشته مجموعه قابل‌توجهی از بینش‌های نظری و عملی ایجاد شده است که در مجموع به عنوان مطالعات پس از جنگ شناخته می‌شود.<sup>۹</sup> حقوق پس از جنگ اگر به درستی اجرا شود، هم با گرایش واقع‌گرایانه طرف‌های درگیر برای برخورد با مرحله پس از جنگ از منظر منافع ملی و هم گرایش ایده‌آل‌گرایانه منجر به راه‌حل‌های آرمان‌شهری که هیچ کدام مبنای کافی برای صلح عادلانه و پایدار ندارند، مقابله خواهد کرد.<sup>۱۰</sup> جنگ جهانی اول یکی از بهترین نمونه‌های تاریخی نادیده گرفتن عمدی نگرانی‌های پس از جنگ و پیامدهای ناشی از آن است. در مقابل، جنگ جهانی دوم نمونه‌ای از برنامه‌ریزی حقوق پس از جنگ و تفاوت محسوسی که می‌تواند در شرایط پس از جنگ ایجاد نماید، ارائه می‌دهد.<sup>۱۱</sup> همانطور که مثال جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد شرایط پس از

<sup>۱</sup> میثم میتزائی بار، محمدرضا حافظانیا و سیدیحیی صفوی و هادی اعظمی «بررسی و تحلیل سیر تحول در نظریه‌های منازعه»، نشریه سیاست دفاعی، ۱۰۱، ۱۳۵: (۱۳۹۶).

<sup>۲</sup> یک مثال خوب برای این مورد، کاربرد موازی قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است (نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پیامدهای قانونی ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین، (ICJ Rep, 2004. Paras 106 & 136)

<sup>۳</sup> عملیات‌های حفظ صلح چند بعدی و مداخلات مدرن به تدریج منجر به خروج از مفهوم صلح در غیاب خشونت محض (صلح منفی) شده است. این امر از جمله، در مفهوم مسئولیت حمایت جمعی منعکس شده است، که شامل سه بُعد مدیریت منازعه جمعی در موارد جنایات بزرگ است: «اقدام پیشگیرانه»، «اقدام پاسخگو» و «تعامل پس از درگیری» (مسئولیت برای جلوگیری از مناقشه، مسئولیت واکنش، و مسئولیت برای بازسازی). برای اطلاعات بیشتر به قطعنامه مجمع عمومی رجوع کنید. GA Res. 60/1(2005 World Summit Outcome). Paras 138 & 139

<sup>۴</sup> Carsten Stahn. "Jus ad bellum, jus in bello, jus post bellum? Rethinking the Conception of the Law of Armed Force". *The European Journal of International Law* 17, 5(2006), 922. doi:10.1093/ejil/chl037.

<sup>۵</sup> Jus post bellum

<sup>۶</sup> Jus ad bellum

<sup>۷</sup> Jus in bello

<sup>۸</sup> Brian Orend. "Justice after war". *Ethics & International Affairs* 16, 1(2002). 43-56. doi:10.1111/j.1747-7093.2002.tb00374.x.

<sup>۹</sup> Gerhard. Kemp and Igor Lyubashenko, (2018), "The Conflict in Ukrainian Donbas: International, Regional and Comparative Perspectives on the Jus Post Bellum Options". in *The Use of Force against Ukraine and International Law: Jus Ad Bellum, Jus In Bello, Jus Post Bellum*, ed. Sergey Sayapin and Evhen Tsvbuleko. (Hague: Asser Press, 2018), 330.

<sup>۱۰</sup> Doug Maccready.(2009). "Ending the War Right: Jus Post Bellum and the Just War Tradition". *Journal of Military Ethics*, 8, 1(2009), 68. doi: 10.1080/15027570902781995.

<sup>۱۱</sup> Ibid, 69.

جنگ، مملو از تغییر رژیم‌های اشغال پس از جنگ، تغییر مرزها، محاکمه جنایات جنگی، بازگشت به کشور، تلاش‌های بازسازی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر است. پیامدهای جنگ ناگزیر پرسش‌های عمیق و دشواری را درباره عدالت ایجاد می‌کند. از جمله این پرسش اساسی که کدام اصول می‌تواند سیاست‌گذاران و همچنین سربازان را در انبوه مسائل اخلاقی پس از جنگ راهنمایی کند؟<sup>۱۲</sup>

حقوق پس از جنگ مفهومی در قلمرو حقوق بین‌الملل و نظریه جنگ عادلانه است که به عدالت انتقالی و ملاحظات اخلاقی پس از پایان درگیری مسلحانه می‌پردازد و به طور خاص، به اصول و راهبردهای دستیابی به صلح عادلانه و پایدار پس از جنگ می‌پردازد. این مفهوم در سال‌های اخیر به ویژه پس از درگیری‌های معاصر در بوسنی و هرزگوین، کوزوو، آفریقای مرکزی، افغانستان و عراق مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است.<sup>۱۳</sup> در حالی که کشورها نگاه خود را از میدان نبرد به فرآیند چالش برانگیز پس از جنگ تغییر می‌دهند، مورد سوریه به عنوان نمونه‌ای برجسته از پیچیدگی‌های موجود در مرحله پس از جنگ شناخته می‌شود. درگیری سوریه که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، خسارات ویرانگری را برای این کشور و مردم آن به همراه داشته است. هم اکنون زیرساخت‌های کشور در ویرانه است، بافت اجتماعی آن عمیقاً گسسته شده است و چندپارگی سیاسی، منافع بین‌المللی متفاوتی را به دنبال داشته و مسیر بهبود را پیچیده کرده است. با فروکش کردن درگیری، سوریه بر سر چهارراه آینده خود قرار دارد و اجرای عدالت پس از جنگ حیاتی به نظر می‌رسد. این پژوهش، به مطالعه حقوق پس از جنگ و کاربرد آن در مناقشه سوریه، بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و راهبردهای بالقوه برای دستیابی به صلح پایدار و عادلانه در منطقه پرداخته است و از طریق تحلیل انتقادی تلاش‌های جاری جامعه بین‌المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان اصلی‌ترین رکن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش حاضر که از طریق تجزیه و تحلیل ادبیات موجود و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و به صورت مطالعه موردی انجام شده است به دنبال کمک به درک بهتر چالش‌های پیچیده در انتقال از جنگ به صلح و درک چالش‌ها و پویایی‌های خاص برای توسعه راهبردها برای ارتقای صلح، ثبات و حمایت از حقوق بشر در دوره پس از جنگ می‌باشد و دغدغه اصلی آن پر کردن خلأ عدم وجود ادبیات کافی در زمینه حقوق پس از جنگ به زبان فارسی و پاسخ به سؤال پژوهش می‌باشد. در خصوص موضوع حقوق پس از جنگ به صورت نظری پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است که صرفاً ماهیت مفهوم «حقوق پس از جنگ» را شامل می‌شود و اغلب بر موارد عینی منطبق نیستند. از سوی دیگر در محدود موارد پژوهش‌های عینی<sup>۱۴</sup> صورت گرفته نیز مطالعات به صورت کلی و بدون در نظر گرفتن اصول حقوق پس از جنگ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## ۱- جنگ عادلانه و صلح عادلانه

نظریه «جنگ عادلانه»<sup>۱۵</sup> از مهم‌ترین نظریه‌های فلسفی است. بسیاری از اندیشمندان معتقد هستند که نظریه جنگ عادلانه مطرح شده توسط «سنت آگوستین»<sup>۱۶</sup> نسخه‌ای جدید و تعدیل شده از نظریه «جنگ مشروع» می‌باشد که توسط «سیسرو»<sup>۱۷</sup> ابداع شده بود.

<sup>12</sup> Robert E. Williams and Dan Caldwell. "Jus Post Bellum: Just War Theory and the Principles of Just Peace". *International Studies Perspectives*, 7, 4(2006), 311. doi:10.1111/j.1528-3585.2006.00256.x.

<sup>13</sup> Brian Orend. "Jus Post Bellum: The Perspective of a Just-War Theorist". *Leiden Journal of International Law*, 20, 3(2007), 576. doi: 10.1017/S0922156507004268.

<sup>14</sup> "see" Christian N Braun, "Jus Post Bellum and the Decision to Withdraw from Afghanistan". *The Review of Faith & International Affairs*, 21, 2(2023). Gills. Paul L. (2007). *Jus Post Bellum – Seeking Peace in Iraq*. Available at <https://www.researchgate.net/publication/261135984>. Sergey Sayapin and Evhen Tsybulenko, "The Use of Force against Ukraine and International Law Jus Ad Bellum, Jus In Bello, Jus Post Bellum" (Hague: Asser Press, 2018).

<sup>15</sup> Just war theory

<sup>16</sup> Saint Augustinus

<sup>17</sup> Cicero

با توجه به اندیشه‌های آگوستین می‌توان گفت که وی اولین شخصی بود که تعریف جدیدی از عدالت را مطرح نموده و جنگ را به عنوان يك عنصر در جهت تحقق عدالت به عنوان يك پدیده معنوی به کار گرفت و این دیدگاه آگوستین زیربنای جنگ‌های مقدس به ویژه در قرون وسطی قرار گرفت.<sup>۱۸</sup> فلسفه اصلی طرح جنگ عادلانه، تلاش برای محدود کردن دامنه توسل به زور، انسانی‌تر کردن نحوه توسل به زور و سوق دادن آن در جهت ریشه‌کن کردن جنگ و برقراری صلح و عدالت بوده است.<sup>۱۹</sup>

در یک دنیای ایده‌آل، هرگز جنگ وجود ندارد. با این حال، نظریه جنگ عادلانه یک نظریه غیر ایده‌آل است که در دنیای واقعی به رسمیت شناخته می‌شود. جنگ ممکن است در شرایط استثنایی و ضروری، موجه باشد. اگرچه برخی از اصول اخلاقی ضروری در زمان جنگ کنار گذاشته می‌شود، اما اخلاق اعمال می‌شود. به این ترتیب، نظریه جنگ عادلانه حد وسط بین واقع‌گرایی سیاسی و ایده‌آل‌گرایی اخلاقی، و تعادلی است بین خواسته‌های امکان‌پذیری و مطلوبیت.<sup>۲۰</sup> برخی استعمال لفظ نظریه برای جنگ عادلانه را اشتباه می‌دانند و معتقد هستند که بهتر است در خصوص مفهوم جنگ عادلانه به جای استفاده از لفظ «دکترین» یا «نظریه» از «سنت» استفاده کرد چرا که تاکنون هیچ بیانیه یا سند رسمی در این خصوص وجود ندارد.<sup>۲۱</sup>

سنت جنگ عادلانه اساساً بر این دوگانگی استوار است که کشتن ممکن است برای نجات جان انسان‌ها ضروری باشد و ممکن است برای جلوگیری از نابودی ارزش‌های عمیق به ویرانی جنگ نیاز باشد. صلح‌طلبان فکر می‌کنند که این دوگانگی در واقعیت یک تناقض است. وقتی به عواقب جنگ‌های مدرن فکر می‌کنیم، موقعیت آنها بیشتر درک می‌شود. چگونه می‌توان مرگ میلیون‌ها نفر را (که برخی تخمین‌ها تعداد افراد کشته شده در جنگ‌های قرن بیستم را ۹۰ میلیون نفر اعلام می‌کنند) به نام نجات نفوس توجیه کرد؟ در واقع، تعداد زیادی مرگ و میر ناشی از جنگ وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را حتی از نظر ایده جنگ عادلانه برای راه‌اندازی جنگ به منظور نجات جان افراد توجیه کرد. در هر حال، جنگ‌های ناعادلانه و در کنار آن جنگ‌هایی که عادلانه بودند، کشتارهای غیرقابل توجیه داشته است، اما علی‌رغم تناقضی که ایجاد می‌کند، به خوبی در مواردی نشان داده می‌شود که یک واکنش نظامی، به طور قطع جان انسان‌ها را نجات داده (مانند کوزوو) یا اگر به موقع انجام می‌شد (مانند رواندا) بسیار تأثیرگذار می‌بود.<sup>۲۲</sup> به طور استعاری، جنگی که عادلانه پیگرد قانونی داشته باشد، چیزی شبیه به جراحی اساسی است: اقدامی افراطی و در عین حال ضروری برای دفاع از ارزش‌های بنیادین، مانند حقوق بشر، در برابر تهدیدهای شدید علیه آن‌ها، مانند تهاجم خشونت‌آمیز، نتیجه موجه از چنین جنگی فقط می‌تواند شبیه به توانبخشی و درمان مورد نیاز پس از جراحی باشد.<sup>۲۳</sup>

تئوری جنگ عادلانه، نظریه‌ای است که کاملاً متعهد به نتیجه و در جستجوی «صلح عادلانه»<sup>۲۴</sup> و پایدار است. دقیقاً مشابه این ایده مرسوم که هر چیزی باید یک شروع، یک میانه و یک پایان داشته باشد. فلذا بنیان معرفتی نظریه جنگ عادلانه ما را به بررسی

<sup>۱۸</sup> رازمیک درمگردیچیان، احمد آذین و محمدرضا یزدانی «عدالت و جنگ عادلانه از دیدگاه آگوستین قدیس». فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴(۱۴۰۰) ۴۵۳: 10.30510/psi.2022.279658.1635. doi: 10.30510/psi.2022.279658.1635.

<sup>۱۹</sup> علی حسینی، علی باقری دولت آبادی و ساره امینی‌پور «مقایسه جنگ عادلانه در اندیشه‌های سنت آگوستین، مایکل والزر و فقهای شیعه معاصر». فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان ۱۳، ۱(۱۴۰۲): ۵۷. doi: 10.22059/jstmt.2023.353263.1578.

<sup>۲۰</sup> Lonke Peperkamp, "A Just and Lasting Peace After War" in *Just Peace After Conflict*, ed. Carsten Stahn and Jens Iverson, (London: Oxford University Press, 2020), 48.

<sup>۲۱</sup> John H. Yoder, *When War Is Unjust, Second Edition: Being Honest in Just-War Thinking* (Oregon: Wipf & Stock Publishers, 2001), 2.

<sup>۲۲</sup> Williams and Caldwell, op cit. 309.

<sup>۲۳</sup> Orend (2007). op cit. 581.

<sup>۲۴</sup> Just peace

بیشتر در مورد عواقب پس از جنگ و می‌دارد<sup>۲۵</sup> و معتقد است اگر یک جنگ دلیل عادلانه‌ای داشته باشد و عادلانه انجام شود، همچنان باید به حل و فصل عادلانه پس از جنگ نیز منجر شود<sup>۲۶</sup>. در نتیجه ایده صلح عادلانه اگر نگویم بخشی جدایی‌ناپذیر از نظریه جنگ عادلانه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، قطعاً به عنوان دنباله‌ای طبیعی از آن در نظر گرفته می‌شود<sup>۲۷</sup>. مشکلی که وجود دارد این است که ماهیت «صلح عادلانه و پایدار» به اندازه کافی روشن نیست. صلح مفهومی پیچیده و چندوجهی است که نمی‌توان آن را به طور مستقیم تعریف کرد. نظریه پردازان جنگ عادلانه به ندرت هدف صلح و پیامدهای آن را بررسی می‌کنند. «صلح عادلانه» مفهومی است که دنیایی را متصور می‌شود که در آن منازعات از طریق روش‌های غیرخشونت‌آمیز حل و فصل می‌شود و در آن عدالت و برابری برای همه افراد رعایت می‌شود و به دنبال رسیدگی به علل ریشه‌ای خشونت و درگیری، و ترویج آشتی در جوامعی است که در اثر جنگ از هم پاشیده شده‌اند. این ایده صلح عادلانه فراتر از فقدان جنگ یا خشونت است و بر اهمیت ایجاد جوامع پایدار، فراگیر و صلح‌آمیز تأکید می‌کند.

## ارکان جنگ عادلانه

### ۱-۱- حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ

با گذشت زمان، فیلسوفان تفکر جنگ عادلانه را به دو بخش حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ تقسیم کرده‌اند. دو بخش که ملاحظات قبل و بعد را با نقطه ورود به جنگ از هم متمایز نموده است. اولی مربوط به استدلال اخلاقی است که توسل به جنگ را توجیه می‌کند (مرجع مناسب، علت عادلانه، آخرین راه حل، نیت درست و شاید نگرانی‌های دیگر)، در حالی که دومی مربوط به مشروعیت وسایل مورد استفاده برای جنگ است. این ملاحظات مربوط به چرایی و چگونگی وقوع جنگ است<sup>۲۸</sup>. در طول سده‌ها، حقوق بر جنگ به عنوان معیاری برای اخلاق بین‌المللی در هدایت جنگ پذیرفته شده است. بسیاری از مفاهیم حقوق بر جنگ در قوانین بین‌المللی حاکم بر منازعه، مانند منشور سازمان ملل متحد و کنوانسیون ژنو و لاهه گنجانده شده است<sup>۲۹</sup>. حقوق بر جنگ، یعنی توجیه توسل به زور، که در منشور ملل متحد، به شکل قاعده منع توسل به زور (بند ۴ ماده ۲ منشور)، با مجوز شورای امنیت، برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی (موضوع ماده ۴۲) یا دفاع مشروع (موضوع ماده ۵۱ منشور)، متبلور شده است. حقوق در جنگ، امروزه به شکل معاهدات بین‌المللی در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق خلع سلاح و کنترل تسلیحات متجلی شده است<sup>۳۰</sup>. این یافته‌ها بازنگری ساختار دوگانه کلاسیک قانون نیروی مسلح (حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ) و تفکر در مورد مفهوم گسترده‌تری از درگیری، از جمله به رسمیت شناختن اصول حاکم بر ایجاد صلح پس از جنگ را ضروری می‌سازد<sup>۳۱</sup>.

### ۱-۲- حقوق پس از جنگ

#### ۱-۲-۱- تعریف حقوق پس از جنگ

<sup>25</sup> Arnaud Kurze and Christopher K. Lamont. *Mapping Global Justice: Perspectives, Cases and Practice* (London: Routledge publication, 2022), 23.

<sup>26</sup> Gary J. Bass, "Jus post bellum". *Philosophy and Public Affairs*, 32, 4(2004): 389. doi:10.1111/j.1088-4963.2004.00019.x.

<sup>27</sup> Marcin Lech. "Modern Jus Post Bellum – Finding a New Branch of International Justice and Law". *Polish Review of International and European Law*, 9, 2(2020), 10. doi:10.21697/priel.2020.9.2.01.

<sup>28</sup> Williams and Caldwell. op cit. 309-10.

<sup>29</sup> Gills. Paul L. (2007). *Jus Post Bellum – Seeking Peace in Iraq*. Available at <https://www.researchgate.net/publication/261135984>

<sup>۳۰</sup> پوریا عسکری «عدالت پس از جنگ و مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۴۶، ۴ (۱۳۹۵): ۹۶۱. doi: 10.22059/jplsq.2016.60525

<sup>31</sup> Carsten(2006). op cit. 926.

مفهوم حقوق پس از جنگ مجموعه‌ای از اصول و دستورالعمل‌ها را در بر می‌گیرد که هدفشان تضمین گذار عادلانه و پایدار از درگیری به صلح<sup>۳۲</sup> و برخورد با تخلفات حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ است<sup>۳۳</sup>. حقوق پس از جنگ را می‌توان به عنوان یک مفهوم عمدتاً فلسفی معرفی نمود که مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی، ممکن است در نهایت نقش حقوق بین‌الملل در جوامع پس از منازعه را هدایت کند<sup>۳۴</sup>. این یک زمینه مطالعاتی نسبتاً جدید در قلمرو تئوری جنگ عادلانه است که در قرن بیست و یکم به عنوان پاسخی به چالش‌ها و پیچیدگی‌های ایجاد صلح پس از مخاصمه شهرت یافته است. تعاریف ارائه شده از حقوق پس از جنگ اندک، ضعیف و توسعه‌نیافته هستند<sup>۳۵</sup> که عموماً با یک شکاف عمیق در مورد معنا، کاربرد و دامنه آن در بین رشته‌های مختلف روبه‌رو است<sup>۳۶</sup>. اصطلاح حقوق پس از جنگ در لاتین به معنای «عدالت پس از جنگ» ترجمه شده است که پس از یک درگیری مسلحانه بین‌المللی اعمال می‌شود<sup>۳۷</sup>. هر چند برخی معتقد هستند که اصطلاح حقوق پس از جنگ واژه دقیقی نیست چرا که در شرایط کنونی، پایان نبردهای مهم لزوماً با پایان جنگ همزمان نیست. جنگ‌های عراق و افغانستان نمونه‌ای از این موارد هستند. در افغانستان، عملیات جنگی در اواخر سال ۲۰۰۱ به پایان رسید، اما درگیری‌ها تا سال‌ها ادامه داشت. در عراق نیز عملیات جنگی گسترده تا ۲۰۰۳ به پایان رسید، اما درگیری ادامه پیدا کرد. بعضاً تلفات نظامی و غیرنظامی در مرحله پس از نبرد بسیار بیشتر از تلفات رخ داده در طول تهاجم می‌شود بنابراین باید اصطلاح حقوق پس از جنگ برای دوره پس از پایان عملیات رزمی بزرگ و همچنین پس از پایان مخاصمات استفاده نمود<sup>۳۸</sup>.

## ۲-۲-۱- پیشینه حقوق پس از جنگ

قانون حاکم بر توسل به زور و نیروی مسلح به طور سنتی در مقوله‌های حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ مفهوم‌سازی می‌شد. این تصور دوگانه از نیروی مسلح منشأ خود را در سنت حقوقی دوره بین جنگ دارد. آمیختگی فزاینده مفاهیم مداخله، درگیری مسلحانه و ایجاد صلح در رویه معاصر و تکمیل قواعد کلاسیک حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ را با شاخه سومی، یعنی قواعد و اصول حاکم بر صلح پس از درگیری، ضروری می‌ساخت. ایده یک مفهوم سه جانبه از نیروی مسلح، از جمله مفهوم عدالت پس از جنگ (حقوق پس از جنگ) دارای یک سنت دیرینه در فلسفه اخلاق و نظریه حقوقی است. این مفهوم تاریخی از منظر حقوقی در زمانی که قواعد معاصر حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ به طور فزاینده‌ای توسط یک مفهوم هنجاری از قانون و عدالت و یک مفهوم گسترده‌تر از امنیت انسانی شکل می‌گیرند، شایسته توجه قرار گرفت<sup>۳۹</sup>. نقطه عطف توجه به مفهوم حقوق پس از جنگ به سال ۱۹۴۵ بر می‌گردد. جایی که پیمان ورسای به جنگ جهانی اول پایان داد و جریمه‌های سختی برای بازنده‌ها وضع نمود. آلمان با تحمیل غرامت‌های سنگین، از دست دادن قلمرو خود در اروپا و خارج از آن و اشغال توسط ارتش‌های متفقین به شدت تنبیه شد، به همین دلیل آلمان

<sup>32</sup> Manuela Melandri, "The state, human rights and the ethics of war termination: what should a just peace look like? A critical appraisal". *Journal of Global Ethics*, 7, 3(2011). 241. doi: 10.1080/17449626.2011.635686.

<sup>33</sup> Kristen J. Fisher, "Defining a relationship between transitional justice and jus post bellum: A call and an opportunity for post-conflict justice". *Journal of International Political Theory*, 16, 3(2018), 293. doi:10.1177/1755088218814038.

<sup>34</sup> Claire Breen, "Reimagining the Responsibility of the Security Council to Maintain International Peace and Security: The Contributions of Jus Post Bellum, Positive Peace, and Human Security". *The Canadian Journal of Peace and Conflict*, 43, 2(2011), 7.

<sup>35</sup> Robert Cryer, "Law and the Jus Post Bellum", in *Morality, Jus Post Bellum, and International Law*, ed. Larry May and Andrew. (Cambridge: Cambridge University Press, 2012), 224.

<sup>36</sup> Carsten Stahn, (2008) "The future of jus post bellum". in *Jus Post Bellum: Towards a Law of Transition from Conflict to Peace*, ed. Carsten Stahn and Jann k. Kleffner. (Hague: T.M.C. Asser Press, 2008), 231.

<sup>37</sup> Aaron X. Fellmeth and Maurice Horwitz, *Guide to Latin in International Law*, (New York: Oxford University Press, 2009), 157.

<sup>38</sup> Maccready, op cit. 67.

<sup>39</sup> Stahn(2006). op cit. 921.

تصمیم گرفت اشتباهات پیمان ورسای را جبران نماید به همین دلیل جنگ دیگری را طرح ریزی نمود.<sup>۴۰</sup> اندیشمندان وقوع جنگ دوم جهانی را به حوادث پس از جنگ اول و کاشت بذر نفرت در دل آلمان می‌دانند. هر چند برخی از علما، اساساً حقوق پس از جنگ را به عنوان رکن سنت جنگ عادلانه انکار می‌کنند. چنانچه «الکس بلامی» معتقد است که هنوز وقت آن نرسیده است که حقوق پس از جنگ را به عنوان سومین مؤلفه سنت جنگ عادلانه بنامیم.<sup>۴۱</sup>

### ۳-۲-۱- دامنه شمول حقوق پس از جنگ

امروزه ماهیت جنگ‌ها تغییر کرده است، به این معنی که بسیار دشوار است برای دسته‌بندی منظم جنگ‌ها به عنوان داخلی یا بین‌المللی مرز مشخصی قائل شد. تعداد درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی از درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی با یک فاصله قابل توجه بیشتر است.<sup>۴۲</sup> برخی پیش‌بینی می‌کنند که مرز بین درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی با درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی از بین خواهد رفت.<sup>۴۳</sup> مرز بین درگیری‌های داخلی و بین‌دولتی برای اولین بار با ایجاد پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو از بین رفت، جایی که حفاظت بیشتر از غیرنظامیان را در شرایط داخلی تدارک دید. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو شامل مجموعه‌ای از قواعد مربوط به الزام به تبعیض بین اهداف نظامی و غیرنظامی است و درگیری‌های بین‌المللی را شامل مسائل داخلی مانند درگیری‌های مسلحانه که در آن مردم علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانگان و علیه رژیم‌های نژادپرست در اعمال حق تعیین سرنوشت خود می‌جنگند، تعریف می‌کند. پروتکل دوم، ماده ۳ مشترک را توسعه داده و به صورت ویژه نسبت به جنگ‌های داخلی اعمال می‌کند.<sup>۴۴</sup> این موضوع در رویه قضایی بین‌المللی به ویژه آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در «قضیه تنگه کورفو»<sup>۴۵</sup> و «قضیه نیکاراگوئه»<sup>۴۶</sup> مورد تصدیق قرار گرفته است.<sup>۴۷</sup> بنابراین راه‌حل به حداقل رساندن اختلاف داخلی و بین‌المللی تسری قواعد حقوق کیفری بین‌المللی به جنایات داخل کشور و همچنین تسری قواعد حقوق بشری به قلمرو داخلی کشورهاست. به طور کلی، به نظر می‌رسد که حقوق پس از جنگ را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای (هنوز تعریف نشده) از هنجارهای حقوقی در مورد آنچه باید در پایان یک درگیری مسلحانه، خواه داخلی یا بین‌المللی، با هدف برقراری صلح پایدار دانست.<sup>۴۸</sup>

<sup>40</sup> Maccready. op cit. 69-70.

<sup>41</sup> Alex J. Bellamy, (2008). "The responsibilities of victory: Jus post bellum and the just war". *Review of International Studies* 34, 4(2008), 602. doi: 10.1017/S026021050800819X.

<sup>42</sup> همانطور که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خاطر نشان کرد مخصصات مسلحانه غیربین‌المللی شکل غالب درگیری باقی خواهد ماند. این وضعیت در درجه اول ناشی از ضعف دولت است که فضا را برای شبه نظامیان محلی و گروه‌های مسلح برای فعالیت باز می‌گذارد تا منجر به محیط‌هایی شود که غارت، قاچاق، اخاذی و آدم‌ربایی به راهبردهای اقتصادی سودآور و کسب منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود و در نهایت تمام رنج‌های متعاقب آن بر غیرنظامیان تحمیل

می‌شود. International Committee of the Red Cross

(ICRC), "International Humanitarian Law and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts, 31st International Conference of the Red Cross and Red Crescent" (ICRC 2011) 5-6

<sup>43</sup> Kristen E. Boon, (2014). "The Application of Jus Post Bellum in Non-International Armed Conflicts," in *Jus Post Bellum*, ed. Carsten Stahn and Jennifer S. Easterday and Jens Iverson. (New York: Oxford University Press, 2014), 259.

<sup>44</sup> Ibid. 262-263.

<sup>45</sup> ICJ Reports, Corfu Cannel Case, (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania), 1949, 22.

<sup>46</sup> ICJ Reports, Case Concerning the Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua. (Nicaragua v. United States), 1986. 104.

<sup>47</sup> سید قاسم زمانی و سورنا زمانیان «شناسایی بازبگراں غیردولتی در درگیری‌های نظامی سوریه». فصلنامه تحقیقات حقوقی ۳۳، ۱ (۱۳۹۵): ۸۱.

<sup>48</sup> Antonia Chayes, "Chapter VII½: Is jus post bellum possible?". *European Journal of International Law*, 24, 1(2013), 291. doi:10.1093/ejil/chs089.

#### ۴-۲-۱- اصول حقوق پس از جنگ

حتی یک جنگ ناعادلانه نیز در نهایت پایان خواهد یافت بنابراین بهتر است کشورها برای دستیابی به عدالت تلاش کنند تا خصومت‌ها را متوقف کنند<sup>۴۹</sup>. گفته شده است که هدف از جنگ، بازگرداندن وضعیت پیشین است. اما این اشتباه است، به همین دلیل است که این پیشنهاد کمتر شنیده می‌شود. دقیقاً وضعیت پیش از جنگ است که در وهله اول، جنگ را موجب شده است. بنابراین ما معیارهایی را نمی‌خواهیم که ما را در وضعیت پیشین گیر بیندازد. ما می‌خواهیم به جای دیگری برسیم؛ وضعیتی با عدالت بیشتر که بالطبع در آن احتمال جنگ کمتر خواهد بود. همانطور که «اریک پترسون»<sup>۵۰</sup> اشاره می‌کند، یک راه‌حل «صلح واقعاً مفید» مستلزم «شروعی تازه» بین متخاصمان است<sup>۵۱</sup>. اکثر کسانی که در سنت جنگ عادلانه درباره اخلاق پس از جنگ نوشته‌اند، معیارهای حقوق پس از جنگ را نیز مطرح کرده‌اند و همگی معترف هستند که معیارها نباید خیلی مفصل باشند و باید عملی باشند نه انتزاعی<sup>۵۲</sup>. تعیین معیار برای حقوق پس از جنگ مستقیماً مرتبط با این موضوع می‌باشد که چه دیدگاهی نسبت به این مفهوم دارید. به طور کلی، دو رویکرد اساسی نسبت به حقوق پس از جنگ وجود دارد؛ «رویکرد حداقلی»<sup>۵۳</sup> و «رویکرد حداکثری»<sup>۵۴</sup>؛ رویکرد «حداقل‌گرا» عمدتاً علاقه‌مند به مهار دولت پیروز است و تمرکز آن بر بررسی مجوزهایی است که طرف پیروز در مقابل طرف دیگر دارد. در مقابل رویکرد «حداکثرگرا» به دنبال تعهدات اخلاقی در قبال طرف شکست خورده پس از جنگ به پایان رسیده است. رویکرد حداکثری بیشترین توجه را در میان نظریه‌پردازان جنگ عادلانه به خود جلب کرده است<sup>۵۵</sup>. در حالی که همپوشانی قابل توجهی بین لیست‌های ارائه شده توسط نظریه‌پردازان این حوزه وجود دارد، امروزه حداقل شش معیار حقوق پس از جنگ به رسمیت شناخته شده است: مجازات، مصالحه، بازسازی، استرداد، غرامت و تناسب.

#### ۱-۴-۲-۱- مجازات

حقوق پس از جنگ اجازه می‌دهد (و برخی استدلال می‌کنند که مستلزم آن است) که وقتی کشور شکست خورده، یک متجاوز آشکار و ناقض حقوق بوده است، باید «مجازات»<sup>۵۶</sup> متناسبی برایش در نظر گرفته شود. این نسخه پس از جنگ، با اقدامات متفقین در دادگاه‌های جنایات جنگی نورنبرگ با محاکمه و اعدام «پیتر هاگنباخ»<sup>۵۷</sup> شروع شده<sup>۵۸</sup> و دادگاه توکیو پس از جنگ جهانی دوم و اخیراً با نمونه‌هایی از دادگاه‌های سازمان ملل که برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در یوگسلاوی سابق و رواندا تأسیس شده‌اند، پشتیبانی شده است<sup>۵۹</sup>. این کار البته به نوبه خود می‌تواند مشکل‌ساز باشد زیرا برای مثال، برگزاری محاکمه کیفری و مجازات رهبران اغلب

<sup>49</sup> Mark Evans, "Balancing Peace, Justice and Sovereignty in Jus Post Bellum: The Case of Just Occupation". *Millennium Journal of International Studies*, 36, 3(2008). 533-554. doi: 10.1177/03058298080360030801.

<sup>50</sup> Eric Patterson

<sup>51</sup> Maccready. op cit. 72-73.

<sup>52</sup> Ibid. 68.

<sup>53</sup> Minimalist Approach

<sup>54</sup> Maximalist Approach

<sup>55</sup> Christian Nikolaus Braun, "Jus Post Bellum and the Decision to Withdraw from Afghanistan". *The Review of Faith & International Affairs*. 21, 2(2023). 60. doi:10.1080/15570274.2023.2166731.

<sup>56</sup> Retribution

<sup>57</sup> Peter Hagenbach

<sup>58</sup> Jens Iverson, "Transitional Justice, Jus Post Bellum and International Criminal Law: Differentiating the Usages, History and Dynamics". *The International Journal of Transitional Justice*. 7, 3(2013), 416. doi:10.1093/ijtj/ijt019.

<sup>59</sup> Williams and Caldwell. op cit. 318.

محبوب، گاهی اوقات یکی دیگر از شروط حقوق پس از جنگ یعنی مصالحه را بسیار دشوار می‌کند.<sup>60</sup> اما در خصوص اینکه اساساً چرا باید مجازاتی وجود داشته باشد و چرا ما نمی‌توانیم فقط دستاوردهای متجاوز را لغو کنیم سه دلیل عمده برای آن برشمرده‌اند. اول اینکه تنبیه تجاوز گذشته، از تجاوز آینده جلوگیری می‌کند، یا حداقل تا حدی بیشتر از زمانی که اصلاً مجازاتی وجود نداشته باشد، چیزی که به آن «بازدارندگی آشکار»<sup>61</sup> گفته می‌شود. دوم، تنبیه مناسب می‌تواند محرک مؤثری برای غرامت، تغییر و توانبخشی از سوی متجاوز باشد. در نهایت، و از همه مهمتر، شکست در مجازات متجاوز، ارزش، وضعیت و رنج قربانی را تنزیل می‌کند و موجب بی‌احترامی به آن می‌شود.<sup>62</sup>

در محاکمه و مجازات پس از جنگ، کلیه اصول حاکم بر دادرسی کیفری می‌بایست رعایت شود. یکی از مهمترین اصول، اصل مسئولیت کیفری فردی است. این اصل ایجاب می‌کند که افراد به دلیل اشتباه خود مجازات شوند و نه از طرف دولت.<sup>63</sup> این تمایز باعث می‌شود که افراد در قبال اعمال ناشایست حاکمان خود پاسخگو نباشند و در معرض اتهامات جمعی قرار نگیرند.<sup>64</sup> اصل مهم دیگر که رعایت آن در دادرسی‌های کیفری الزامی است این است که باید با محاکمه‌های بین‌المللی عادلانه و علنی روبرو شوند. در خصوص بهترین گزینه رسیدگی به پرونده‌ها و اینکه دادرسی بهتر است در دادگاه‌های ملی برگزار شود یا در نهاد یا دادگاه بین‌المللی همانند دادگاه کیفری بین‌المللی<sup>65</sup> یا حتی به کارگیری مدل دیگری مانند کمیسیون حقیقت و عدالت آفریقای جنوبی<sup>66</sup>، باید گفت که نسخه واحدی وجود ندارد و باید به فراخور هر مورد خاص، تصمیم‌گیری شود.<sup>67</sup>

## ۲-۴-۲-۱- مصالحه

صلح‌سازی به‌عنوان یک فرآیند مشورتی، به‌جای اینکه صرفاً «ترتیبات موقتی»<sup>68</sup> باشد، به تغییر مناقشه می‌پردازد. صلح‌سازی در یک اجماع ایجاد می‌شود که زمینه را برای حل و فصل دموکراتیک فراهم می‌کند. این اجماع باید از طریق فرآیند مشورتی ایجاد شود، حتی اگر باید منعکس‌کننده هنجارها و منافع موجود هر دو طرف مربوطه و جامعه فراملی باشد.<sup>69</sup> اصل دوم حقوق پس از جنگ، «مصالحه»<sup>70</sup> است. پس از اینکه جنگ یا درگیری مسلحانه به پایان رسید، یکی از ملاحظات کلیدی برای تأمین عدالت پس از پایان جنگ این است که طرفین به یک پایداری برسند.<sup>71</sup>

برای تحقق مصالحه، مشورت و مذاکره نقش کلیدی دارد. یکی از کارکردهای مهم مشورت برقراری و حفظ صلح اجتماعی در موارد تعارض درون نظام سیاسی است. رایزنی همچنین در حل و فصل منازعات و دستیابی به توافق در میان سیاست‌ها، خواه

<sup>60</sup> Larry May, "Jus Post Bellum, Grotius, and Meionexia" in *Jus Post Bellum*, ed. Carsten Stahn and Jennifer S. Easterday and Jens Iverson. (New York: Oxford University Press, 2014), 16.

<sup>61</sup> Obvious Deterrence

<sup>62</sup> Orend (2007). op cit. 580.

<sup>73</sup> استقلال مسئولیت فردی از مسئولیت دولتی به ویژه در حذف مصونیت رسمی از مجازات برای تجاوز، نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی بیان می‌شود. (ماده ۲۷ اساسنامه رم، بند ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا)

<sup>64</sup> Stahn (2006).op cit. 940.

<sup>65</sup> International Criminal Court (ICC)

<sup>66</sup> Truth and Reconciliation Commission; South Africa (TRC)

<sup>67</sup> George M. Clifford, "Jus Post Bellum: Foundational Principles and a Proposed Model". *Journal of Military Ethics*, 11, 1(2012). 50. doi:10.1080/15027570.2012.674242.

<sup>68</sup> Modus vivendi

<sup>69</sup> James Bohman, "Jus post bellum as a deliberative process: transnationalising peace-building". *Irish Journal of Sociology*, 20, 2(2012). 14. doi:10.7227/IJS.20.2.2.

<sup>70</sup> Reconciliation

<sup>71</sup> May. op cit. 16.

دموکراتیک یا غیر آن، مهم است. این نوع مشورت در موقعیت‌های درگیری از دو جهت اهمیت ویژه‌ای دارد: اول اینکه می‌تواند از تعمیق درگیری‌هایی که می‌تواند منجر به خشونت و در نهایت منتهی به جنگ می‌شود، جلوگیری کند. دوم، طرفین در مذاکرات خود در پایان جنگ می‌توانند به یک مفهوم مشترک و حداقلی از عدالت متوسل شوند. از نظر تئوری جنگ عادلانه، مشورت در حقوق بر جنگ برای آزمایش اینکه آیا تمام اقدامات برای جلوگیری از جنگ انجام شده است یا خیر و اینکه آیا واقعاً دلیل عادلانه‌ای برای جنگ وجود دارد یا خیر، اهمیت دارد. اما مشورت زمانی که جنگ پایان یافته است نیز اهمیت دارد یعنی زمان حرکت از درگیری به صلح و در دستیابی به یک راه حل عادلانه. پس از جنگ، چنین مذاکراتی به طور سنتی اغلب نخبگان هر دو طرف را درگیر می‌کرد و از دید عموم بسته می‌ماند، در حالی که ممکن است گاهی اوقات برای غلبه بر خصومت متقابل به مشورت پشت درهای بسته نیاز باشد، اما چنین مشورتی اغلب منابع مفید مشروعیت را تضعیف می‌کند و حتی ممکن است درگیری‌های شدید را تشدید نماید.<sup>۷۲</sup> بنابراین مشارکت کامل و فعالانه همه‌جانبه در فرآیندهای مصالحه که برای ساختن صلحی عادلانه و باثبات نیاز است، ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳-۴-۲-۱- بازسازی

سیاست‌های بین‌المللی، به ویژه در زمان‌های اخیر، به طور هماهنگ تعهد به بازسازی پس از جنگ را به عنوان نتیجه ضروری اقدام نظامی و نیازهای حقوق پس از جنگ برای انطباق با این واقعیت پذیرفته است. فلذا یکی از اهداف اساسی حقوق پس از جنگ «بازسازی»<sup>۷۳</sup> وضعیت موجود «قبل از وقوع»<sup>۷۴</sup> با توجه به حقوق قربانیان تجاوز است.<sup>۷۵</sup> بازسازی در مورد تعهدات فاتحان برای کمک به بازگرداندن اقتصاد و جامعه از هم گسسته، به وضعیت قبل از جنگ طراحی شده است.<sup>۷۶</sup> «کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولتی»<sup>۷۷</sup> در گزارش تأثیرگذار خود در سال ۲۰۰۱ با عنوان «مسئولیت حمایت»<sup>۷۸</sup> از این ادعا دفاع کرد که این مفهوم نه تنها مسئولیت جلوگیری از جنایات جمعی را دارد، بلکه مسئولیت بازسازی نیز شامل می‌شود. این گزارش در برجسته کردن این واقعیت مفید بوده است که عوامل بین‌المللی ممکن است وظیفه بازسازی جوامع سیاسی متأثر از جنگ را داشته باشند. با این حال، مشخص نمی‌کند که کدام نهاد خاص باید وظیفه بازسازی پس از جنگ را بر عهده بگیرد، تنها ادعا می‌کند که مسئولیت بازسازی یک مسئولیت بین‌المللی و اصلاحی است که به طور کلی بر عهده جامعه بین‌المللی است.<sup>۷۹</sup> وظیفه بازسازی ممکن است به بهترین وجه توسط ائتلاف‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای یا حتی دولت‌هایی که به طور مستقل عمل می‌کنند، البته با مجوز شورای امنیت سازمان ملل، انجام شود. با این حال عدم شفافیت پیرامون مسئولیت بازسازی اغلب منجر به پراکندگی مسئولیت می‌شود و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی راحت‌تر از تعهدات خود شانه خالی می‌کنند.<sup>۸۰</sup>

<sup>72</sup> Bohman. op cit. 10-11.

<sup>73</sup> Rebuilding

<sup>74</sup> Quo ante bellum

<sup>75</sup> Sanlut N. Haokip and Prabhu Venkataraman, "Jus post bellum: Justice at the End of War The Interrelationship Between the Three Conditions of JW To Post War Justice", *Journal of Advanced Research in Social Sciences*, 4, 4(2021), 33. doi:10.33422/jarss.v4i4.584.

<sup>76</sup> Bass. op cit. 406.

<sup>77</sup> International Commission on Intervention and State Sovereignty(ICISS)

<sup>78</sup> Responsibility to protect

<sup>79</sup> James Pattison, "Jus Post Bellum and the Responsibility to Rebuild", *British Journal of Political Science*, 45, 3(2015). 13. doi:10.1017/S0007123413000331.

<sup>80</sup> Alexandra Gheciu and Jennifer M. Welsh, "The Imperative to Rebuild: Assessing the Normative Case for Postconflict Reconstruction". *Ethics & International Affairs*, 23, 2(2009), 137. doi:10.1111/j.1747-7093.2009.00203.x.

#### ۴-۲-۱- استرداد

«استرداد»<sup>۸۱</sup> نقش مهمی در حقوق پس از جنگ دارد و به عنوان وسیله‌ای برای رسیدگی به آسیب‌ها و بی‌عدالتی‌هایی است که افراد و جوامع در جریان درگیری‌ها متحمل شده‌اند. در عواقب جنگ، بسیاری از مردم با خسارات جسمی، روحی و مادی مواجه می‌شوند. استرداد مستلزم اعاده حقوق نقض شده و همچنین در موارد عدم امکان استرداد، جبران خسارت وارد شده، می‌باشد. امروزه، اگرچه تصور این که بازگرداندن زمین در پایان جنگ به طور معمول انجام می‌شود، رایج‌تر شده است، اما این کار نه به عنوان عامل بازدارنده بلکه به عنوان بازسازی مورد نیاز خواهد بود. در این رابطه استثناهایی هم وجود دارد، مانند امتناع اسرائیل از پس دادن کرانه باختری و بلندی‌های جولان پس از جنگ شش روزه با مصر و سوریه. اسرائیل مدعی شد که به این سرزمین‌ها نیاز دارد تا قادر به جلوگیری از تهاجم آینده باشد.<sup>۸۲</sup>

#### ۵-۲-۱- غرامت

«غرامت»<sup>۸۳</sup> نقش مهمی در حقوق پس از جنگ ایفا می‌کند زیرا به عنوان نوعی جبران خسارت برای قربانیان درگیری عمل می‌کند و به بازسازی بافت اجتماعی و اقتصادی یک جامعه کمک می‌کند. پس از پایان جنگ، بسیاری از افراد و جوامع به دلیل خشونت اعمال شده، ویران می‌شوند و غرامت به عنوان وسیله‌ای برای اذعان به رنج آنها و ارائه نوعی عدالت به آنها است. این امر به ویژه در مواردی که جنایات جنگی یا نقض حقوق بشر رخ داده است، مهم است، زیرا غرامت می‌تواند به عنوان نوعی جبران خسارت وارد شده در نظر گرفته شود و پایه‌ای برای صلح و ثبات پایدار خواهد بود. غرامت اغلب برای برقراری مجدد اعتماد میان طرفین پس از پایان جنگ نیز مفید است.<sup>۸۴</sup> غرامت همچنین با پاسخگو کردن مجرمان و روشن ساختن این که پیامدهایی برای چنین اقداماتی وجود دارد، برای جلوگیری از نقض آینده حقوق بشر مفید است و این پیام قوی را ارسال می‌کند که چنین اقداماتی بدون مجازات نخواهد ماند. این امر می‌تواند به جلوگیری از تخلفات بعدی کمک کند و به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر ارتکاب جنایات بیشتر عمل کند. حتی پیروز عادل نیز ممکن است وظایف جبران خسارت مغلوب ناعادل را داشته باشد. با این حال، مهم است که بدانیم که بازپرداخت، یک راه حل مناسب برای همه نیست، و جوامع مختلف ممکن است نیازها و ترجیحات متفاوتی در پرداختن به آسیب‌های جنگ داشته باشند. برخی از قربانیان ممکن است غرامت مادی را در اولویت قرار دهند، در حالی که برخی دیگر ممکن است اهمیت بیشتری برای تصدیق به خطا یا عذرخواهی قائل شوند. علاوه بر غرامت فردی، برای پرداختن به تأثیر گسترده‌تر جنگ بر جوامع و جامعه به عنوان یک کل، به غرامت جمعی نیز نیاز است. این می‌تواند به شکل غرامت برای جوامعی باشد که به طور نامتناسبی تحت تأثیر درگیری قرار گرفته‌اند، تأمین مالی برای پروژه‌هایی که ایجاد صلح را ترویج می‌کنند، یا سایر اشکال حمایتی که به بازسازی انسجام اجتماعی و اعتماد کمک می‌کند که می‌تواند در غالب کمیسیون غرامات صورت بپذیرد.

#### ۶-۲-۱- تناسب

«تناسب»<sup>۸۵</sup> نقش اساسی در اعمال حقوق پس از جنگ ایفا می‌کند. پس از درگیری‌ها، ایجاد تعادل بین نیاز به پاسخگویی و عدالت و الزام حفظ صلح و ثبات بسیار مهم است. تناسب کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که اقدامات تنبیهی بیش از حد یا خودسرانه

<sup>81</sup> Restitution

<sup>82</sup> May, op cit. 17.

<sup>83</sup> Reparation

<sup>84</sup> Ibidem. 17-18.

<sup>85</sup> Proportionality

نیستند و حقوق قربانیان و مجرمان رعایت می‌شود. با پایبندی به اصل تناسب، جوامع پس از جنگ می‌توانند به جای تداوم چرخه‌های خشونت و تلافی، به سمت صلح حرکت کنند. تناسب اساساً یک اصل مرتبط با حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ است که به نظر می‌رسد برای حقوق پس از جنگ نیز قابل اجرا باشد، اگرچه شاید به روش‌هایی متفاوت از کاربردهایی که این اصل در زمان جنگ دارد. در ارزیابی تلاش‌های پس از جنگ و برای ترویج صلح و عدالت، تناسب ضروری به نظر می‌رسد.<sup>۸۶</sup> یکی از راه‌های درک تناسب در حقوق پس از جنگ، اعمال هر یک از پنج اصل دیگر است. هر چه هست الزام به کارگیری سایر اصول هنجاری حقوق پس از جنگ نباید صدمات بیشتری به جمعیت یک طرف جنگ، تحمیل کند.<sup>۸۷</sup> در واقع تناسب شرایطی فراهم می‌آورد که به طور متناسب برای ایجاد صلح عادلانه و همچنین جبران بی‌عدالتی که منجر به درگیری شده است، مناسب باشد.<sup>۸۸</sup> و در این شرایط سایر اصول حقوق پس از جنگ نیز زمینه اجرا پیدا کنند.

## ۲- نقش شورای امنیت در تضمین حقوق پس از جنگ

کشورها به دلایل مختلف جنگ را آغاز می‌کنند. کشورها ممکن است جنگ را شورش (لیبی در سال ۲۰۱۱)، مداخله بشردوستانه (کوزوو و سومالی)، یا اقدامی برای حفاظت از شهروندان ملت متجاوز (گرانادا) در نظر بگیرند. به همان نسبت این جنگ‌ها به طرق مختلف نیز خاتمه می‌یابند. مانند زمانی که کشورها نیروهای رزمی خود را به مواضعی که در زمان شروع جنگ بودند (جنگ کره) باز می‌گردانند، بازنده عقب‌نشینی کند و قلمرو تصرف شده را به کشوری که در ابتدا حاکمیت خود را اعمال می‌کرد (نخستین جنگ خلیج آمریکا) بازگرداند یا حتی پیروز، دولت شکست خورده را اشغال کند (دومین جنگ خلیج آمریکا). کشورهایی که در جنگ پیروز می‌شوند، ممکن است منابع، اراده سیاسی یا مقبولیت لازم برای ایجاد صلح عادلانه یک جانبه را نداشته باشند. در دنیایی که به طور فزاینده‌ای با منافع و پیوندهای جهانی گره خورده است، مسئولیت دستیابی به پیشرفت برای صلح، می‌بایست بین‌المللی باشد.<sup>۸۹</sup> اینجاست که نقش سازمان‌های بین‌المللی به خصوص سازمان ملل متحد پررنگ‌تر می‌شود. وقتی نوبت به دخالت سازمان ملل در پس از جنگ می‌رسد، آشکار می‌گردد که سازمان ملل تجربه بسیار مرتبط و اخیراً دارد (تیمور شرقی) که عاقلانه است از این تجربه استفاده شود. گفتنی است که سازمان ملل، در عین حال، تجربیات تلخی نیز داشته است، به‌ویژه در درگیری‌های آفریقایی از جمهوری دموکراتیک کنگو گرفته تا سومالی و رواندا.<sup>۹۰</sup> چرا که به دلیل نداشتن تجربه، کارکنان سازمان ملل مجبور بودند «با انجام دادن بیاموزند»<sup>۹۱</sup>.

گفتمان‌های حکمرانی جهانی به دنبال گسترش نقش اجرایی سازمان ملل در جهان و پر کردن خلأ حاکمیت قانون هستند و بدین‌سان صلح پس از جنگ را ظهور حاکمیت قانون به عنوان یک موضوع بین‌المللی فراملی می‌دانند.<sup>۹۲</sup> در این خصوص باید اذعان داشت جامعه بین‌المللی و به طور اخص سازمان ملل دارای نقش نگهبان و شریک است؛ نگهبان به این منظور که اطمینان حاصل کند قدرتی که برنده جنگ است، فاسد نشود و شریک از آن روی که در خصوص نیاز به منابع اضافی و همچنین تخصص جهانی در

<sup>86</sup> Williams and Caldwell. op cit. 316.

<sup>87</sup> May. op cit. 18.

<sup>88</sup> Evans. op cit. 541.

<sup>89</sup> Clifford. op cit. 44.

<sup>90</sup> Orend(2007). op cit. 589.

<sup>91</sup> Maj Grasten, "Jus Post Bellum as Definition and Practice" in *Just Peace After Conflict: Jus Post Bellum and the Justice of Peace*, ed. Carsten Stahn and Jens Iverson, (New York: Oxford University Press 2020), 271.

<sup>92</sup> Jens Iverson and Jennifer S. Easterday and Carsten Stahn, "Epilogue: Jus Post Bellum— Strategic Analysis and Future Directions", in *Jus Post Bellum: Mapping the Normative Foundation*, ed. Carsten Stahn and Jennifer S. Easterday and Jens Iverson. (New York: Oxford University Press.2014), 545.

زمینه‌های مختلف به دولت‌ها کمک نماید<sup>۹۳</sup>. «پتروسس غالی»<sup>۹۴</sup>؛ دبیرکل سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ در گزارشی تحت عنوان «دستور کار برای صلح»، در چارچوب نقش در حال تحول سازمان ملل، صلح‌سازی را به عنوان رویکردی جدید عنوان و مورد تأکید قرار داد. این گزارش به جزئیات تعهدات سازمان ملل و همچنین توصیه‌هایی در مورد نحوه انجام آنها می‌پردازد. برخی از این تعهدات به شورای امنیت واگذار شده است<sup>۹۵</sup>. «کوفی عنان»<sup>۹۶</sup>، دبیرکل سازمان ملل نیز در سال ۲۰۰۳ در بیان ضرورت حقوق پس از جنگ اعلام داشت که شورای امنیت مسئولیت سنگینی برای ترویج عدالت و حاکمیت قانون در تلاش‌های خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد<sup>۹۷</sup>. به طور کلی، شورای امنیت در حقوق پس از جنگ در ارتقای صلح، امنیت و حقوق بشر در مناطق متأثر از درگیری، نقش اساسی دارد. شورا با استقرار مأموریت‌های حافظ صلح، پاسخگو کردن عاملان (ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی)، اعمال تحریم‌های هدفمند، صدور قطعنامه و تسهیل مذاکرات صلح، نقشی حیاتی در حصول اطمینان از حفاظت و حمایت از حقوق افراد پس از جنگ دارد. شورای امنیت در راستای انجام وظایف خود از نهادهای مشورتی همچون «کمیسیون ایجاد صلح»<sup>۹۸</sup> که یک انجمن هماهنگ کننده برای رسیدگی به موقعیت‌های پس از جنگ است، استفاده می‌کند<sup>۹۹</sup>. کارکرد اصلی این کمیسیون هماهنگی با هدف گردآوری بازیگران مربوطه است تا بتواند از این طریق منابع را مدیریت و استراتژی‌های یکپارچه‌ای برای بازسازی پس از جنگ پیشنهاد و در مورد آنها مشاوره‌های لازم را به شورا انتقال دهد<sup>۱۰۰</sup>.

## ۱-۲- نقش شورای امنیت در وضعیت سوریه

بحران سوریه ابتدا با اعتراضات داخلی آغاز گردید. برخی از کشورها با حمایت مالی، تسلیحاتی و غیره از شورشیان داخلی و حتی گروه‌های تروریستی، وضعیت آن را به مخاصمه داخلی تبدیل کردند<sup>۱۰۱</sup>. رفته رفته این عامل با توجه به منافع متعدد و متعارض بازیگران ملی و فراملی، بحران سوریه را از یک مخاصمه داخلی به مخاصمه‌ای بین‌المللی و طولانی تبدیل نمود<sup>۱۰۲</sup> که حتی تبعات آن پس از پایان جنگ نیز مشهود می‌باشد و سوریه را با وضعیتی تحت عنوان «جنگ بی پایان»<sup>۱۰۳</sup> رو به رو کرده است<sup>۱۰۴</sup>. یکی از مهم‌ترین مسائلی که سوریه پس از جنگ با آن مواجه است، حضور همین گروه‌های افراطی و سازمان‌های تروریستی در این کشور است. جنگ، زمینه مساعدی را برای رشد این گروه‌ها فراهم کرده است و آنها همچنان تهدیدی قابل توجه برای ثبات و امنیت منطقه

<sup>93</sup> Orend (2007). op cit. 588-589.

<sup>94</sup> Boutros Boutros-Ghali

<sup>95</sup> [ST/DPI/1247: "An Agenda for Peace: Preventive Diplomacy, Peacemaking and Peace-keeping".(1992), paras 35,36,41.

<sup>96</sup> Kofi Annan

<sup>97</sup> UN, 'Secretary- General's Remarks to the Ministerial Meeting of the Security Council on Justice and the Rule of Law: The United Nations Role' (24 September 2003). Last visited on 20 August 2024. Available at <<https://www.un.org/sg/en/content/sg/statement/2003-09-24/secretary-generals-remarks-ministerial-meeting-security-council>>.

<sup>98</sup> Peacebuilding Commission

<sup>99</sup> Dieter Fleck, "The Responsibility to Rebuild and its Potential for Law-Creation: Good Governance, Accountability and Judicial Control". *Journal of International Peacekeeping*, 16, 1-2(2012), 96. doi:10.1163/187541111X613579.

<sup>100</sup> Liliana L. Jubilit, "Towards a New Jus Post Bellum: The United Nations Peacebuilding Commission and the Improvement of Post-Conflict Efforts and Accountability". *Minnesota Journal of International Law*, 20, 1(2011), 36.

<sup>۱۰۱</sup> غلامعلی قاسمی «چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل». فصلنامه آفاق امنیت، ۳۳، ۴(۱۳۹۵): ۱۴۵.

<sup>۱۰۲</sup> مرتضی رفیعی بصیری، مهدی جاودانی مقدم و داود کیانی «بازخوانی پارادوکس حاکمیت و مداخله در حقوق بین‌الملل نوین (مطالعه موردی: بحران سوریه)». فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۷۰، ۲(۱۴۰۰): ۲۳۵. doi: 10.22034/isj.2021.261606.1314.۲۳۵.

<sup>۱۰۳</sup> جنگ بی پایان یا Endless War به مفهومی اطلاق می‌گردد که با تشدید تنش‌های داخلی و همچنین ظرفیت بازیگران خارجی، زمینه حفظ جنگ در دوره‌های طولانی فراهم می‌شود.

<sup>104</sup> Alex J. Bellamy, "Ending Endless Wars", in *How to End a War*, ed. Graham Parsons and Mark A. Wilson. (New York: Cambridge University Press, 2023). 111.

هستند. چنانچه شورا با اشاره به پیشرفت‌های حاصل شده در بازپس‌گیری مناطقی از سوریه از «دولت اسلامی در عراق و شام»<sup>۱۰۵</sup> و «جبهه النصره»<sup>۱۰۶</sup> اما نگرانی شدید خود را از باقی ماندن مناطقی تحت کنترل آنها و موارد منفی تأثیر حضور، ایدئولوژی و اقدامات افراطی خشونت‌آمیز آنها بر ثبات در سوریه و منطقه، از جمله تأثیرات انسانی ویرانگر بر جمعیت غیرنظامی که منجر به آواره شدن صدها هزار نفر، ابراز داشت<sup>۱۰۷</sup>. شورا معتقد است که کشورهای عضو اطمینان حاصل کنند هرگونه اقدامی که برای مبارزه با تروریسم اتخاذ می‌کنند، می‌بایست مطابق با کلیه تعهدات آنها بر اساس قوانین بین‌المللی باشد<sup>۱۰۸</sup>.

با تعیین اینکه وضعیت ویرانگر انسانی در سوریه همچنان تهدیدی برای صلح و امنیت در منطقه است و یادآوری نیاز همه طرف‌ها به احترام به مفاد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصول راهنمای سازمان ملل متحد برای کمک‌های اضطراری بشردوستانه<sup>۱۰۹</sup>، شورای امنیت در وضعیت پس از جنگ تأکید ویژه‌ای بر وضعیت آوارگان و پناهندگان سوری دارد<sup>۱۱۰</sup>. در این خصوص تسهیل بازگشت امن، داوطلبانه و آبرومندانه پناهندگان و آوارگان به مناطق محل سکونت خود در سوریه، مطابق با قوانین بین‌المللی، از جمله مقررات قابل اجرای کنوانسیون و پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان سوریه، با در نظر داشت منافع کشورهای میزبان پناهندگان، مورد حمایت قرار گرفت<sup>۱۱۱</sup>.

بازسازی از جمله اهداف دیگر شورای امنیت در سوریه است که به صورت ویژه بر سیستم آب، فاضلاب، بهداشت، آموزش و برق برای بازگرداندن دسترسی به خدمات اولیه، تأکید دارد. در این مورد پروژه‌های زودبازده تحت عنوان بازبایی زود هنگام، که توسط سازمان‌های بشردوستانه انجام می‌شود، در اولویت قرار داده شده است<sup>۱۱۲</sup> و از تلاش آژانس‌های بین‌المللی بشردوستانه همچون «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»<sup>۱۱۳</sup> و سایر سازمان‌ها در این قضیه قدردانی شده است<sup>۱۱۴</sup>. شورا در جهت ایجاد مصالحه و ایجاد یک نظام سیاسی دموکراتیک و متکثر که در آن شهروندان صرف‌نظر از وابستگی‌ها، قومیت‌ها یا اعتقادات آنها، برابر هستند، از طریق گفتگوی سیاسی جامع بین دولت سوریه و همه طیف‌های مخالفان<sup>۱۱۵</sup>، اصرار دارد و همچنین اذعان می‌کند که در صورت عدم وجود راه‌حل سیاسی برای مناقشه سوریه، وضعیت به وخامت بیشتر خواهد انجامید و درخواست خود را برای اجرای کامل و فوری قطعنامه ۲۲۵۴ (۲۰۱۵) به منظور تسهیل انتقال سیاسی بر اساس «بیانیه ژنو»<sup>۱۱۶</sup> که در بیانیه‌های «گروه بین‌المللی حمایت از سوریه»<sup>۱۱۷</sup> نیز آمده است، مطرح نمود<sup>۱۱۸</sup>. شورا همچنین تشویق به تشکیل یک گفت‌وگوی تعاملی غیررسمی شورای امنیت هر دو ماه یکبار با مشارکت کمک‌کنندگان، طرف‌های منطقه‌ای علاقه‌مند و نمایندگان آژانس‌های بشردوستانه بین‌المللی فعال در سوریه به منظور بررسی و پیگیری منظم اجرای این قطعنامه دارد<sup>۱۱۹</sup>. شورا با اشاره به اینکه مصونیت از مجازات در سوریه منجر به نقض گسترده

<sup>105</sup> Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)

<sup>106</sup> Al-Nusra Front (ANF)

<sup>107</sup> S/RES/2449 (2018), clause 6.

<sup>108</sup> Ibid, clause 8.

<sup>109</sup> S/RES/2672 (2023), clause 4. "see more" S/RES/2642 (2022), clause 4.

<sup>110</sup> S/RES/2504 (2020), clause 3.

<sup>111</sup> S/RES/2449 (2018), op cit, clause 22.

<sup>112</sup> S/RES/2672 (2023), op cit, para 4. "see more" S/RES/2642 (2022), para 4.

<sup>113</sup> International Committee of the Red Cross (ICRC)

<sup>114</sup> S/RES/2585 (2021), para 4.

<sup>115</sup> S/RES/2042 (2012). Para 1.

<sup>116</sup> بیانیه ژنو در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ در کنفرانس موسوم به «گروه اقدام» که به ابتکار کوفی عنان برگزار گردید، صادر شد و بعداً همین بیانیه در قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت مورد تأیید قرار گرفت.

<sup>117</sup> International Syria Support Group (ISSG)

<sup>118</sup> S/RES/2449 (2018), op cit, para 5.

<sup>119</sup> S/RES/2672 (2023), op cit, para 6.

حقوق بشر و نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه می‌شود، بر لزوم پایان دادن به معافیت از مجازات برای این نقض‌ها در مورد افرادی که مرتکب جنایت شده‌اند تأکید و معتقد است که مسئول این گونه تخلفات باید به دست عدالت سپرده شود.<sup>120</sup>

## نتیجه‌گیری

درهم آمیختن فزاینده مفاهیم مداخله، درگیری مسلحانه و ایجاد صلح در رویه معاصر، تکمیل قواعد کلاسیک یعنی حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ را با شاخه سوم حقوق، یعنی قواعد و اصول حاکم بر صلح‌سازی پس مناقشه را ضروری جلوه می‌دهد. حقوق پس از جنگ یک حوزه حقوقی بین‌المللی در حال ظهور و در عین حال پراکنده است. ارزش افزوده حقوق پس از جنگ، صلح مثبت و امنیت انسانی است که الگویی از قواعد و هنجارهای پس از مناقشه را ارائه می‌دهد. وضعیت سوریه پس از جنگ محک بسیار مناسبی برای ارزیابی کارکرد حقوق پس از جنگ به شمار می‌رود. در حالی که جهان تلاش‌های سوریه برای برخاستن از خاکستر درگیری را به نظاره نشسته است، بدون شک مسیر بهبودی طولانی است و نیازمند صبر، استقامت و تعهد تزلزل‌ناپذیر به عدالت و کرامت انسانی است. وضعیت سوریه یادآور اهمیت ساختن جهانی است که در آن پیامدهای درگیری به اندازه پیشگیری از آن با اهمیت می‌باشد. در این میان نقش شورای امنیت که مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، در حقوق پس از جنگ حائز اهمیت است. شورا با قابلیت‌های متنوع برگرفته از منشور، تمرکز بر اجرای آتش‌بس، ترویج آشتی، و ایجاد یک دولت باثبات و دموکراتیک، تعیین مأموریت حفظ صلح، اعمال تحریم‌های اقتصادی و در صورت لزوم، اتخاذ اقدامات قهری، نقش مهمی در گذار از جنگ به صلح ایفا می‌کند. از آنجایی که اجرای اصول حقوق پس از جنگ در سوریه ممکن است به دلیل فقدان یک مرجع روشن و وجود طرف‌های متعارض با منافع متفاوت با چالش‌های مهمی مواجه شود، یک رویکرد ظریف که پویایی منحصر به فرد را در نظر می‌گیرد برای رسیدگی مؤثر به مسائل پس از جنگ و تضمین صلح و عدالت پایدار ضروری است. مسلماً اعمال اصول حقوق پس از جنگ بدون همراهی شورای امنیت امکان‌پذیر نمی‌باشد، اما از آنجایی که صلح‌سازی ناموفق یکی از بدترین عوامل خطر برای جنگ‌های جدید است، بر اهمیت یک رویکرد جامع پس از جنگ، تأکید می‌شود. اگرچه تلاش‌های شورای امنیت در غالب اقدامات سیاسی همانند «گروه بین‌المللی حمایت از سوریه»، «کنفرانس حمایت از آینده سوریه»، «گروه اقدام برای سوریه» و همچنین قطعنامه‌های شورای امنیت عموماً به سمت اقدامات واکنشی و تعاملی با تلاش‌های پس از مناقشه گرایش دارد، اما بدون شک و به گواه وضعیت عینی سوریه دیدگاه شورا جامع نیست و صرفاً بر برخی از اصول خاص حقوق پس از جنگ مانند بازسازی و مصالحه متمرکز شده است و نه تنها به سایر اصول همچون گرامت و مجازات به درستی پرداخته نشده است که نتایج عملی نیز در پی نداشته است و وضعیت موجود در سوریه بهترین گواه بر نقص سازوکار حقوق پس از جنگ از سوی شورای امنیت دارد و باعث ایجاد عدم تناسب اقدامات با شرایط پس از جنگ می‌شود. نتیجتاً اینکه نقش شورای امنیت در حقوق پس از جنگ را می‌توان ناکافی اما مثبت دانست و ضروری است که شورا به انجام وظایف خود به طور مؤثرتر و کارآمدتر ادامه دهد و قابلیت‌های بالقوه خود را برای گنجاندن تعهدات گسترده‌تر پس از مناقشه در دستورات حمایت از صلح، آگاهانه‌تر و پیوسته‌تر در نظر بگیرد تا اطمینان حاصل شود که حقوق فردی و اجتماعی پس از جنگ محافظت و ارتقاء خواهد یافت. از طرف دیگر به نظر می‌رسد وجود قواعد مدون در زمینه حقوق پس از جنگ نه تنها به خودی خود مفید خواهد بود و باعث انسجام رویکردهای صلح‌سازی می‌شود، بلکه منبعی برای اقدامات و تصمیمات شورای امنیت نیز خواهد بود. فلذا ضرورت وجود يك کنوانسیون اضافی ژنو برای حقوق پس از جنگ به شدت احساس می‌شود.

<sup>120</sup> S/RES/2449 (2018), op cit, clause 26.

- حسینی، علی و علی باقری دولت ابادی و ساره امینی پور. «مقایسه جنگ عادلانه در اندیشه‌های سنت آگوستین، مایکل والزر و فقهای شیعه معاصر». فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۳، ۱۱ (۱۴۰۲)، ۵۵-۷۱. doi: 10.22059/jstmt.2023.353263.1578
- درمگردیچیان، رازمیک و احمد آذین و محمدرضا یزدانی. «عدالت و جنگ عادلانه از دیدگاه آگوستین قدیس». فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴، ۴ (۱۴۰۰)، ۴۴۸-۴۵۷. doi: 10.30510/psi.2022.279658.1635
- رفیعی بصیری، مرتضی و مهدی جاودانی مقدم و داود کیانی. «بازخوانی پارادوکس حاکمیت و مداخله در حقوق بین الملل نوین: مطالعه موردی: بحران سوریه». فصلنامه مطالعات بین المللی، ۷۰، ۲ (۱۴۰۰)، ۲۲۳-۲۴۳. doi: 10.22034/isj.2021.261606.1314
- زمانی، سیدقاسم و سورنا زمانیان. «شناسایی بازیگران غیردولتی در درگیری‌های نظامی سوریه». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۳، ۱ (۱۳۹۵)، ۷۹-۱۰۵.
- عسکری، پویا. «عدالت پس از جنگ و مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶، ۴ (۱۳۹۵). doi: 10.22059/jplsq.2016.60525.۹۵۷-۹۷۶
- قاسمی، غلامعلی. «چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین الملل». فصلنامه آفاق امنیت، ۳۳، ۴ (۱۳۹۵)، ۱۷۲-۱۴۳.
- میترائی تبار، میثم و محمدرضا حافظنیا و سیدیحیی صفوی. «بررسی و تحلیل سیر تحول در نظریه‌های منازعه: با تأکید بر تحول تاریخی، رشته-ای و نگاه ریشه‌ای نظریه‌ها». نشریه سیاست دفاعی، ۱۰۱، ۱ (۱۳۹۶)، ۱۷۷-۱۳۳.

## References

## Books:

- Bellamy, Alex J. "Ending Endless Wars". In *How to End a War*, edited by Graham Parsons and Mark A. Wilson, 111-131. New York: Cambridge University Press, 2023.
- Boon Kristen E. "The Application of Jus Post Bellum in Non-International Armed Conflicts." In *Jus Post Bellum*, edited by Carsten Stahn and Jennifer S. Easterday and Jens Iverson. 259-268. New York: Oxford University Press 2014.
- Cryer, Robert. "Law and the Jus post bellum." In *Morality, Jus Post Bellum, and International Law*. edited by Larry May and Andrew Forcehimes, 223-249. Cambridge: Cambridge University Press, 2012.
- Fellmeth, Aaron X., and Maurice Horwitz. *Guide to Latin in International Law*. New York: Oxford University Press, 2009.
- Grasten Maj "Jus Post Bellum as Definition and Practice". In *Just Peace After Conflict: Jus Post Bellum and the Justice of Peace*, edited by Carsten Stahn and Jens Iverson, 269-283. New York: Oxford University Press, 2020.
- Iverson, Jens and Carsten Stahn and Jennifer S. Easterday. "Epilogue: *Jus Post Bellum*— Strategic Analysis and Future Directions", In *Jus Post Bellum: Mapping the Normative Foundation*, edited by Carsten Stahn and Jennifer S. Easterday and Jens Iverson, 542-564. New York: Oxford University Press, 2014.
- Kemp, Gerhard and Igor Lyubashenko. "The Conflict in Ukrainian Donbas: International, Regional and Comparative Perspectives on the Jus Post Bellum Options." In *The Use of Force against Ukraine and International Law: Jus Ad Bellum, Jus In Bello, Jus Post Bellum*, edited by Sergey Sayapin and Evhen Tsvbuleko, 329-354. Hague: Asser Press, 2018.
- Kurze, Arnaud, and Christopher K. Lamont. *Mapping Global Justice: Perspectives, Cases and Practice*. First Ed. London: Routledge publication, 2022.
- Larry May, Jus Post Bellum, Grotius, and Meionexia in Jus Post Bellum. Carsten Stahn, Jennifer S. Easterday and Jens Iverson. Oxford University Press 2014. Published 2014 by Oxford University Press, p 15
- Peperkamp, Lonneke. A Just and Lasting Peace After War". In: *Just Peace After Conflict*, edited by Carsten Stahn and Jens Iverson, 48-74. London: Oxford University Press, 2020.
- Sriram, C. L., & Zahar, M.-J. (Eds.). (2018). *The Politics of Post-Conflict Reconstruction*. Routledge.
- Stahn, Carsten. "The future of Jus Post Bellum." In *Jus Post Bellum: Towards a Law of Transition from Conflict to Peace*. edited by Carsten Stahn and Jann k. Kleffner. 231-237. Hague: Asser Press, 2008.
- Yoder, John H. *When War Is Unjust, Second Edition: Being Honest in Just-War Thinking*. 2<sup>nd</sup> Ed. Oregon: Wipf & Stock Publishers, 2001.

## Articles:

- Bass, Gary J. “Jus Post Bellum”. *Philosophy & Public Affairs*, 32, 4(2004), 384-412. doi:10.1111/j.1088-4963.2004.00019.x.
- Bellamy, Alex J. “The responsibilities of victory: Jus post bellum and the just war”. *Review of International Studies*, 34, 4(2008), 601-625. doi: 10.1017/S026021050800819X.
- Bellamy, Alex J., and Paul D. Williams. “The West and Contemporary Peace Operations”. *Journal of Peace Research*, 46, 1(2009), 39-57. doi:10.1177/0022343308098403.
- Bohman, James. “Jus post bellum as a deliberative process: transnationalising peace-building”. *Irish Journal of Sociology*, 20, 2(2012), 10-27. doi:10.7227/IJS.20.2.2.
- Braun, Christian N. “Jus Post Bellum and the Decision to Withdraw from Afghanistan”. *The Review of Faith & International Affairs*, 21, 2(2023), 1-10. doi:10.1080/15570274.2023.2166731.
- Breen, Claire. “Reimagining the Responsibility of the Security Council to Maintain International Peace and Security: The Contributions of “Jus Post Bellum”, Positive Peace, and Human Security”. *The Canadian Journal of Peace and Conflict*, 43, 2(2011), 5-50.
- Chayes, Antonia. “Chapter VII½: Is jus post bellum possible?”. *European Journal of International Law*, 24, 1(2013), 291-305. doi:10.1093/ejil/chs089.
- Clifford, George M. “Jus Post Bellum: Foundational Principles and a Proposed Model”. *Journal of Military Ethics*, 11, 1(2012), 42-57. doi:10.1080/15027570.2012.674242.
- Evans, Mark. “Balancing Peace, Justice and Sovereignty in Jus Post Bellum: The Case of Just Occupation”. *Millennium Journal of International Studies*, 36, 3(2008). 533-554. doi: 10.1177/03058298080360030801.
- Fisher, Kristen J. “Defining a relationship between transitional justice and jus post bellum: A call and an opportunity for post-conflict justice”. *Journal of International Political Theory*, 16, 3(2018), 287-304. doi:10.1177/1755088218814038.
- Fleck, Dieter. “The Responsibility to Rebuild and its Potential for Law-Creation: Good Governance, Accountability and Judicial Control”. *Journal of International Peacekeeping*, 16, 1-2(2012), 84-98. doi:10.1163/187541111X613579.
- Gheciu, Alexandra, and Jennifer Welsh. “The Imperative to Rebuild: Assessing the Normative Case for Postconflict Reconstruction”. *Ethics & International Affairs*, 23, 2(2009), 121-146. doi:10.1111/j.1747-7093.2009.00203.x.
- Haokip, Sanlut N., and Prabhu Venkataraman. “Jus post bellum: Justice at the End of War: The Interrelationship Between the Three Conditions of JW To Post War Justice”. *Journal of Advanced Research in Social Sciences*, 4, 4(2021), 31-40. doi:10.33422/jarss.v4i4.584.
- Iverson, Jens. “Transitional Justice, Jus Post Bellum and International Criminal Law: Differentiating the Usages, History and Dynamics”. *The International Journal of Transitional Justice*, 7, 3(2013), 413-433. doi:10.1093/ijtj/ijt019.
- Jubilut, Liliana L. “Towards a New Jus Post Bellum: The United Nations Peacebuilding Commission and the Improvement of Post-Conflict Efforts and Accountability”. *Minnesota Journal of International Law*, 20, 1(2011), 26-64.
- Klein, Albert W. “Attaining Post-Conflict Peace Using the jus post bellum Concept”. *Religions*, 11, 4(2020). doi:10.3390/rel11040173.
- Lech, Marcin. “Modern Jus Post Bellum – Finding a New Branch of International Justice and Law”. *Polish Review of International and European Law*, 9, 2(2020), 9-38. doi:10.21697/priel.2020.9.2.01.
- Maccready, Doug. “Ending the War Right: Jus Post Bellum and the Just War Tradition”. *Journal of Military Ethics*, 8, 1(2009), 66-78. doi: 10.1080/15027570902781995.
- Melandri, Manuela. “The state, human rights and the ethics of war termination: what should a just peace look like? A critical appraisal”. *Journal of Global Ethics*, 7, 3(2011). 241-249. Doi: 10.1080/17449626.2011.635686.
- Orend, Brian. “Jus Post Bellum: The Perspective of a Just-War Theorist”. *Leiden Journal of International Law*, 20, 3(2007), 571-591. doi: 10.1017/S0922156507004268.
- Orend, Brian. “Justice after war”. *Ethics & International Affairs*, 16, 1(2002), 43-56. doi:10.1111/j.1747-7093.2002.tb00374.x.
- Pattison, James. “Jus Post Bellum and the Responsibility to Rebuild”. *British Journal of Political Science*, 45, 3(2015), 1-27. doi:10.1017/S0007123413000331.
- Stahn, Carsten. “Jus ad bellum, jus in bello . . . jus post bellum? – Rethinking the Conception of the Law of Armed Force”, *The European Journal of International Law*, 17, 5(2006), 921-943. doi:10.1093/ejil/chl037.

- Williams, Robert E., and Dan Caldwell. “Jus Post Bellum: Just War Theory and the Principles of Just Peace”. *International Studies Perspectives*, 7, 4(2006), 309-320. doi:10.1111/j.1528-3585.2006.00256.x.

**Documents:**

- [ST/]DPI/1247.(1992)
- A/51/761 (1996)
- ICJ Reports (1949)
- ICJ Reports (1986)
- S/23500 (1992)
- S/RES/2042 (2012)
- S/RES/2449 (2018)
- S/RES/2504 (2020)
- S/RES/2585 (2021)
- S/RES/2672 (2023)

**Sites:**

- Gills. Paul L. *Jus Post Bellum – Seeking Peace in Iraq*. Available at <https://www.researchgate.net/publication/261135984>. 2007.
- UN, ‘Secretary- General’s Remarks to the Ministerial Meeting of the Security Council on Justice and the Rule of Law: The United Nations Role’ (24 September 2003). Available at <[https:// www.un.org/ sg/ en/ content/ sg/ statement/ 2003- 09- 24/ secretary- generals- remarks- ministerial- meeting- security- council](https://www.un.org/sg/en/content/sg/statement/2003-09-24/secretary-generals-remarks-ministerial-meeting-security-council)>